

می‌توان اکثر اسامی غیرقابل شمارش را با S جمع به کار برد!!! اسامی غیرقابل شمارش هنگامی که S جمع می‌گیرند اشاره به **انواع آن اسم** دارد.

foods	انواع غذا
bread	انواع نان‌ها
monies	انواع پول‌ها



1

milk, water, oil, tea, blood, steam, air	مایعات و گازها
iron (آهن), gold, silver, ink (جوهر), wood, cotton	جنس مواد
grass, sugar, rice, salt, flour (آرد), sand (ماسه)	موادی که از ذرات ریز تشکیل شده باشند
English, French, Persian	زبان‌ها
food, bread, cheese, butter, meat, cake, fruit	اکثر خوراکی‌ها
running, studying, jogging, football, tennis	فعالیت‌ها (اسم مصدر)
hope, anger, love, hate, pride (غرور), happiness	مفاهیم انتزاعی و غیرقابل لمس

دسته‌های کلی اسامی غیرقابل شمارش

⚠️ اسامی زیر کمی خاص هستند! آن‌ها را بلد باشید.

behavior رفتار	work کار	progress پیشرفت	sunrise sunset طلوع / غروب	homework تکلیف	luck شانس	money پول
weather هوا	paper کاغذ	health سلامتی	garbage rubbish زباله	knowledge دانش	advice نصیحت	energy انرژی
traffic عبور و مرور	bread نان	science علم	toothpaste خمیردندان	equipment تجهیزات	earth خاک	jewellery جواهرات
experience تجربه	music موسیقی	luggage baggage بار / وسایل	furniture اثاث مبلمان	information اطلاعات	news اخبار	education تحصیل

غیرقابل شمارش

climate شرایط	voice صدا	backache کمردرد	stomachache دل‌درد	toothache دندان‌درد	walk پیاده‌روی	meal وعده غذایی
headache سردرد	army ارتش	earthquake زلزله	audience مخاطب	environment محیط / زیست‌بوم	IQ بهره هوشی	fool احمق

قابل شمارش



بعضی از اسم‌ها با توجه به معنی‌شان قابل شمارش یا غیرقابل شمارش هستند.

اسم	قابل شمارش	غیرقابل شمارش
glass	لیوان	شیشه
room	اتاق	فضا
coffee	فنجان قهوه	قهوه
cold	سرماخوردگی	سرما
paper	روزنامه / مقاله / مدارک	کاغذ
work	اثر ادبی یا هنری	کار / محل کار
tea	فنجان چای / مهمانی عصرانه	چای
iron	اتو	آهن
light	لامپ	نور
hair	تار مو	مو
water	چشمه / جویبار	آب
chicken	جوجه	گوشت مرغ
experience	رویداد	تجربه
time	بار / دفعه	زمان
belief	اعتقاد / عقیده	ایمان
speech	سخنرانی	تکلم / بیان
juice	لیوان آب‌میوه	آب‌میوه
painting	نابلوی نقاشی	هنر نقاشی
sugar	قند	شکر



Quiz.0??

1

الگوهای کاربرد واحد شمارش

حالت مفرد

اسم غیرقابل شمارش + of + واحد شمارش مفرد + one / a / an

a / one glass of water • a / one sheet of paper

حالت جمع

اسم غیرقابل شمارش + of + واحد شمارش جمع + عدد بیش از یک

five glasses of water • three sheets of paper

توضیح واحدهای شمارش مفید و موارد کاربردشان در جدول صفحه؟؟ و؟؟ آمده است.

واحد شمارش		معنی و مفهوم	بعضی از موارد کاربرد
مفرد	جمع		
bottle	bottles	بطری	water - milk - juice - vinegar - sauce - oil
cup	cups	فنجان	sugar - tea - coffe - water - milk
glass	glasses	لیوان	water - milk - juice - soda
bag	bags	کیسه	salt - sugar - flour - chips - candy rice
piece	pieces	تکه / بخش قطعه	advice - information - cake - luggage - furniture - news - cloth food - fruit - luck
slice	slices	تکه / قاچ / برش	beef - cake - bread - pizza - banana - melon - cheese
kilo	kilos	کیلو	meat - rice - sugar - milk - gold - flour
loaf	loaves	قرص (نان)	bread
pinch	pinches	نوک قاشق	salt - sugar - flour



واحد شمارش		معنی و مفهوم	بعضی از موارد کاربرد
مفرد	جمع		
bar	bars	قالب / شمش	chocolate - gold - iron - soap - butter
sheet	sheets	برگه / ورقه	paper - glass - iron
tin / can	tins / cans	قوطی	tuna - soup - beans - corn - paint
jar	jars	شیشه	honey - jam - pickle
bowl	bowls	کاسه	rice - fruit - soup
beam	beams	پرتو / بارقه	light - hope
carton	cartons	جعبه / کارتون	milk - juice - eggs - cigarettes
box	boxes	جعبه	chocolate - matches - milk
tube	tubes	بسته	toothpaste
packet	packets	بسته	crisps - biscuits - sugar
cube	cubes	حبه / تکه	sugar - ice - cheese
bunch	bunches	دسته	key - grapes - bananas - flowers
grain	grains	دانه / ذره	rice - wheat - sand - truth
handful	handfuls	مشت	coins - nuts - sand - rice - flour - herbs
spoonful	spoonfuls	قاشق	mustard - sugar - rice - oil - salt
drop	drops	قطره	tear - water - rain - oil - paint - blood
cut	cuts	برش / تکه	butter - cake - meat
chunk	chunks	تکه	cheese - meat
block	blocks	قالب	wood - cheese - ice
bit	bits	کمی	paper - luck - cake - grass - information



Quiz.0??

1

some	
با اسم قابل شمارش جمع (تعدادی)	با اسم غیرقابل شمارش (مقداری)
some cars تعدادی ماشین	some water مقداری آب

نکات مربوط به some

عموماً در جمله منفی نمی آید.

Would you like some coffee?
آیا مقداری قهوه میل دارید؟

به طور معمول در جمله سؤالی نمی آید.
(مگر برای تعارف و دعوت)

به همراه اسم غیرقابل شمارش و قابل شمارش جمع به کار می رود.

اگر بعد از **some** اسم قابل شمارش مفرد به کار رود، معنی «یک» می دهد و حالت نکره برای اسم ایجاد می کند. (یعنی در این حالت معادل a یا an خواهد بود.)

I saw

some
a

 book on the desk. some book = a book. روی میز یک کتاب دیدم.

چیزی (یک چیز): something • زمانی (یک زمان): sometime

کسی (یک نفر): somebody / someone



Quiz.0??

1

اسم غیر قابل شمارش

a little مقدار کم (ولی تقریباً کافی)	a little water مقدار کمی آب (ولی کافی)
little مقدار کم (ناچیز)	little water مقدار کمی آب (ناچیز)

اسم قابل شمارش

a few تعداد کم (ولی تا حدی کافی)	a few cars تعداد کمی ماشین (ولی کافی)
few تعداد کم (ناچیز)	few cars تعداد کمی ماشین (ناچیز)

a little, little, a few, few

«a little» و «little» به همراه اسم غیر قابل شمارش به کار می روند.

«a few» و «few» به همراه اسم قابل شمارش جمع به کار می روند.

«a few» و «little» به مفهوم بسیار کم و ناچیز و تقریباً معادل «no» هستند.

We have little water and we would die out of thirst.

مقدار کمی (ناچیزی) آب داریم و از تشنگی خواهیم مرد. (یعنی آب آن قدر کم است که گویی نیست).

«a little» و «a few» به مفهوم کم ولی کافی و تقریباً معادل «some» هستند.

We have a little water and we will survive.

مقدار کمی (اما کافی) آب داریم و زنده خواهیم ماند. (یعنی اگرچه آب زیاد نیست ولی برای رفع تشنگی کافی است).

بعد از «only» و «just» از کلمات «a little» و «a few» استفاده نمی کنیم.

بعد از «so»، «too» و «how» از کلمات «a few» و «a little» استفاده نمی کنیم.



Quiz.0??

1

many / lots of / a lot of	much / lots of / a lot of
اسم قابل شمارش جمع (تعداد زیاد)	اسم غیرقابل شمارش (مقدار زیاد)
many cars	much water
lots of cars	lots of water
a lot of cars	a lot of water
تعداد زیادی ماشین	مقدار زیادی آب

نکات مربوط به a lot of, lots of, much, many

«many» به معنی «تعداد زیاد» قبل از اسم قابل شمارش جمع می آید.

«much» به معنی «مقدار زیاد» قبل از اسم غیرقابل شمارش می آید.

«lots of» و «a lot of» به معنی «مقدار / تعداد زیاد» می توانند به جای «many» و «much» به کار روند.

«much» در جملات مثبت کمتر استفاده می شود. (بیشتر در جمله منفی و سؤالی می آید)

از «much» و «a lot» می توان به عنوان قید تکرار به معنی «زیاد» در انتهای جمله استفاده نمود که در این حالت بدون اسم به کار می روند.

Do you watch TV much?

آیا زیاد تلویزیون می بینی؟

We go shopping a lot.

ما زیاد خرید می رویم.

قید تکرار به معنی (زیاد) ->



Quiz.0??

1

any (در جمله سؤالی)

با اسم غیرقابل شمارش (هیچ)	با اسم قابل شمارش جمع (همه)
any water	any cars
(هیچ) آبی	(هیچ) ماشینی

می توان کلمه «هیچ» را در ترجمه حذف نمود.

نکات مربوط به any

عموماً در جمله منفی و سؤالی به کار می رود و در این حالت معنی «هیچ» می دهد.

قابل شمارش جمع → Are any students absent today? آیا امروز (هیچ) دانش آموزی غایب است؟
 ← غیرقابل شمارش There is not any money on the desk. (هیچ) پولی روی میز نیست.

اسم بعد «any» می تواند غیرقابل شمارش یا قابل شمارش جمع باشد.

any می تواند در جمله مثبت هم به کار رود. در این حالت معنی «هر» می دهد. اسم بعدش در این حالت باید غیرقابل شمارش یا قابل شمارش مفرد باشد.

مفرد → There are bad things about any job. (هر = any) در هر کاری چیزهای بدی وجود دارد.



Quiz.0??

1

no	
با اسم قابل شمارش مفرد یا جمع (هیچ)	با اسم غیرقابل شمارش (هیچ)
no car / cars	no water
هیچ ماشینی	هیچ آبی

نکات مربوط به no

به همراه اسم قابل شمارش مفرد یا جمع و اسم غیرقابل شمارش به کار می‌رود.

فقط در جمله مثبت (غیرسوالی) می‌آید و خودش مفهوم جمله را منفی می‌کند. (no = not any)

I had no money with me that day. من آن روز هیچ پولی نداشتم.



did not have any money

Quiz.0??

1

How much + do / does + cost? + اسم مربوط

How much does this car cost?

قیمت این ماشین چقدر است؟

How much do these shoes cost?

قیمت این کفش (ها) چقدر است؟

How much is it? / How much are they?

قیمت آن‌ها چقدر است؟ / قیمت این چقدر است؟

این حالت برای مواقعی استفاده می‌شود که مورد سؤال را با اشاره به مخاطب (فروشنده) نشان می‌دهیم.

پرستیان قیمت چیزی



1

پرسیدن تعداد یا مقدار چیزی

پرسیدن مقدار چیزی برای موارد غیرقابل شمارش

How much + فاعل + فعل کمکی + اسم غیرقابل شمارش + ... ?

آن‌ها چه مقدار شکر می‌خواستند؟
How much sugar did they want?

پرسیدن تعداد چیزی برای موارد قابل شمارش

How many + فاعل + فعل کمکی + اسم قابل شمارش جمع + ... ?

چند (تعداد) اتومبیل آنجا دیدی؟
How many cars did you see there?

How many + فاعل + فعل کمکی + اسم غیرقابل شمارش + of + واحد شمارش جمع + ... ?

چند (چه تعداد) تکه کاغذ می‌خواهید؟
How many pieces of paper do you want?

اسامی با جمع بی قاعده

بچه	child	children	مرد	man	men
موش	mouse	mice	زن	woman	women
دندان	tooth	teeth	پا	foot	feet
فرد	person	people	مرغابی	goose	geese
تحلیل	analysis	analyses	گاو نر	ox	oxen
تأکید	emphasis	emphases	پایه	basis	bases
تذکره (نظریه)	thesis	theses	داده	datum	data
فرمول	formula	formulae	شپش	louse	lice
	رسانه	medium		media	

⚠️ دقت کنید که بعضی از اسامی فوق را می‌توان به صورت با قاعده (S) نیز جمع بست.

قاعده تبدیل f یا fe به ves

بعضی از اسم‌هایی که به f یا fe ختم می‌شوند؛ هنگامی که S جمع می‌گیرند باید f یا fe تبدیل به ves شود.

مهم‌ترین اسم‌هایی که از قاعده فوق تبعیت می‌کنند عبارتند از:

wife (wives) همسر	life (lives) زندگی	leaf (leaves) برگ	shelf (shelves) قفسه
knife (knives) چاقو	half (halves) نیمه	calf (calves) گوساله	wolf (wolves) گرگ

بعضی از اسامی که به f ختم می‌شوند از قاعده فوق تبعیت نمی‌کنند

cliff → cliffs

roof → roofs

بعضی از این‌گونه اسامی ممکن است دو نوع جمع داشته باشند

scarf → scarfs / scarves



حرف تعریف (a / an / the)

قبل از همه اسم‌های قابل شمارش مفرد حتماً باید یکی از حروف تعریف قرار گیرند.

حروف تعریف a / an قبل از اسم‌های قابل شمارش مفرد قرار می‌گیرند و در صورتی که اسم مورد نظر با یکی از هجاهای مصوت آغاز شده باشد حتماً باید از حرف تعریف an استفاده شود.

an apple an envelope an FM wave an umbrella

اگر اسمی قابل شمارش به صورت جمع بیابند می‌توانند حرف تعریف نگیرند که در این صورت اشاره به انواع آن‌ها می‌شود.

▶ flowers are beautiful.

حرف تعریف the می‌تواند قبل از اسم‌های مفرد و جمع قرار گیرد و اشاره به اسمی دارد که خواننده با آن آشنا است و یا قبلاً در مورد آن توضیحی داده شده است.

▶ A man left his luggage. The luggage contained clothes.

در صورتی که قبل از اسم صفت قرار گرفته شده باشد، حرف اضافه با توجه به هجای ابتدایی صفت تعیین می‌شود.

▶ a beautiful umbrella.

▶ a red apple

حرف تعریف the می‌تواند قبل از صفت قرار گیرد و در این صورت معنای جمع به اسم خواهد داد.

▶ the poor = فقرا

▶ the blind = نابینایان



نا همخوانی بین فعل و نهاد

گاهی اوقات در جمله نهاد ظاهراً جمع است اما برای آن فعل مفرد به کار برده می‌شود.

500 dollares is a lot of money.

sixty miles is a long way to go.

More than one person is needed to do this job.

five slices of cake isn't enough.

Waht you really need is friends.

Your bacan and eggs is ready.



Quiz.0??

1

🍏 کوتاه‌ترین جملات، جملات تک لغتی امری هستند که آن یک کلمه فعل است.

Look.	نگاه کن.
Come.	بیا.
Go.	برو.

1

🔍 نهاد قسمتی از جمله است که در مورد آن گزارش و توضیح داده می‌شود.

🔍 گزاره قسمتی از جمله است که در مورد نهاد گزارش و توضیح می‌دهد.

در سه مثال زیر به نهاد و گزاره در هر جمله دقت کنید.

فعل
 Ali works here. علی اینجا کار می‌کند.
 نهاد گزاره نهاد گزاره

فعل
 They are students. آنها دانش‌آموز هستند.
 نهاد گزاره نهاد گزاره

فعل
 My sister is doing her homework carefully in her room now.
 نهاد گزاره

🔍 خواهرم الان دارد تکالیفش را با دقت در این اتاق انجام می‌دهد.
 نهاد گزاره



1

در مثال‌های زیر wash و play که انجام دادن کاری را به نهاد نسبت می‌دهند، فعل **غیرربطی** هستند.

He **washed** his car.
(شستن (انجام کار))

او ماشینش را **شست**.

They **are playing** football.
(بازی کردن (انجام کار))

آنها دارند فوتبال **بازی می‌کنند**.

در مثال‌های زیر is و seems که داشتن یک حالت و صفت را به نهاد نسبت می‌دهند، فعل **ربطی** هستند.

This book **seems** good.
(به نظر رسیدن (که صفت good را به book نسبت می‌دهد))

این کتاب خوب به نظر **می‌رسد**.

Your car **is** expensive.
(بودن (که expensive را به car نسبت می‌دهد))

ماشین تو **گران است**.

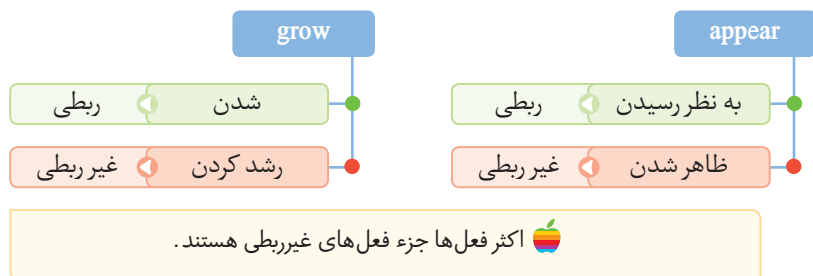


1

افعال ربطی مهم عبارتند از:

شدن get • grow • become • go		به نظر رسیدن look • seem • sound • appear	
بودن to be	feel احساس داشتن	taste مزه دادن	smell بو دادن

دقت کنید که افعال فوق فقط در معنی گفته شده، افعال ربطی هستند.



1

- ▶ They are coming. آنها دارند می‌آیند.
 - ▶ They are doing their homework. آنها تکالیفشان را انجام می‌دهند.
- اگر برای فعل سؤال «چه چیزی را؟» یا «چه کسی را؟» مطرح شود، به این فعل متعدی (گذرا) می‌گوییم و به جواب سؤال «چه چیزی را؟» یا «چه کسی را؟» مفعول گفته می‌شود.

مفعول (object) در انگلیسی می‌تواند در فارسی معادل متمم complement هم باشد. (پایه دوازدهم توضیح بیشتری می‌دهیم.)

I called **your brother**, yesterday. دیروز به **برادرت** زنگ زدم.

مفعول در انگلیسی متمم در فارسی



نکته‌هایی در مورد جایگاه قیده‌ها در جمله

Quiz.0??

1

قید زمان adverb of time

راجع به زمان انجام کار توضیح می‌دهد

✓ I will go to school **tomorrow**.

معمولاً بعد از فعل جمله می‌آید

✓ **Tomorrow**, I have an important appointment. می‌تواند برای تأکید در ابتدای جمله بیاید

قیده‌های زمان پرتکرار

قید	معنی	قید	معنی
before	قبلاً	late	دیر
after	بعداً	ago	قبل
then	بعداً	tonight	امشب
soon	به‌زودی	yesterday	دیروز
first	اول	tomorrow	فردا
early	زود	today	امروز



قید مکان adverb of place

راجع به مکان انجام کار توضیح می دهد

✓ The children are playing **in the yard**. ◀ معمولاً بعد از فعل جمله می آید

✗ He studied **at school** English. ▶ به هیچ عنوان بین فعل و مفعول نمی آید

قیده‌های مکان پرتکرار

قید	معنی	قید	معنی
behind	پشت	around	اطراف
down	پایین	outside	بیرون



قید حالت adverb of manner

راجع به نحوه انجام کار توضیح می دهد

✓ she runs **quickly**.

معمولاً بعد از فعل جمله می آید

✓ He **politely** asked for permission.

گاهی اوقات می تواند بین نهاد و فعل هم بیاید

✗ She finished **quickly** her exam.

به هیچ عنوان بین فعل و مفعول نمی آید

قید حالت عموماً (نه همیشه) از اضافه کردن «-ly» به صفت ساخته می شود

careful + ly = **carefully** به دقت
صفت قید

strong + ly = **strongly** به شدت
صفت قید

well, fast, hard

بعضی از قیدهایی حالت «-ly» ندارند

پسوند ly گاهی می تواند به اسم نیز بچسبد که در این حالت صفت می سازد.

friend + ly = **friendly** دوستانه
اسم صفت

love + ly = **lovely** دوست داشتنی
اسم صفت



Quiz.0??

1

قید تکرار adverb of frequency

در مورد تعداد و مقدار تکرار فعل صحبت می‌کند و یکی از سه جایگاه زیر را دارد.

I **always** pass my exam. فعل غیر + قید تکرار + نهاد

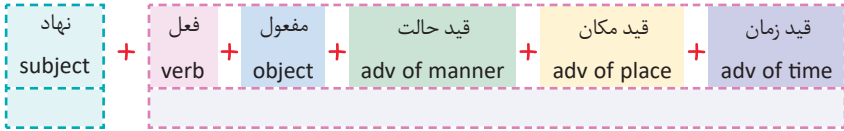
I am **always** happy. قید تکرار + فعل + نهاد

I have **always** a good student. فعل اصلی + قید تکرار + فعل کمکی + نهاد

درصد تکرار	قید تکرار	معنی	مثال
100%	always	همیشه	I always study after class.
90%	usually	بیشتر اوقات	I usually walk to work.
80%	normally / generally	معمولاً	I normally get good marks.
70%	often / frequently	معمولاً	I often read in bed at night.
50%	sometimes	گاهی اوقات	I sometimes sing in the shower.
30%	occasionally	گاهی اوقات	I occasionally go to bed late.
10%	seldom	به ندرت	I seldom add salt to my food.
5%	hardly (ever) barely rarely scarcely	به ندرت	I hardly (ever) get angry.
0%	never	هرگز	Vegetarians never eat meat.



ترکیب کلی اجزای جمله



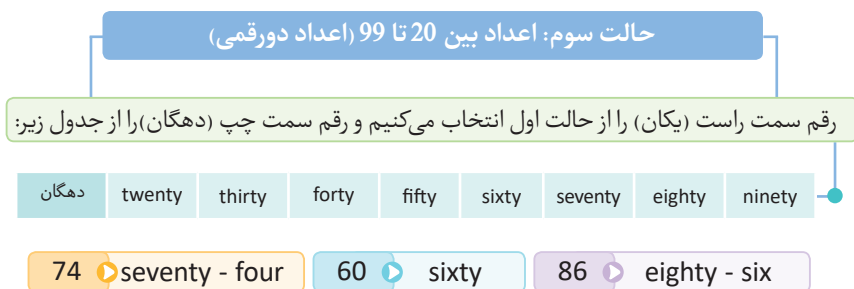
اگر در جمله هرسه قید حالت، مکان و زمان وجود داشت ابتدا قید حالت، سپس قید مکان و بعد قید زمان قرار می‌گیرد.

Quiz.0??

حالت اول: اعداد بین 1 تا 9 (اعداد یک رقمی)

1 ▶ one	2 ▶ two	3 ▶ three
4 ▶ four	5 ▶ five	6 ▶ six
7 ▶ seven	8 ▶ eight	9 ▶ nine





نکته در اعداد 20 - 99 بین دهگان و صدگان باید خط تیره باشد.

- ✓ twenty - one
- ✗ twenty one

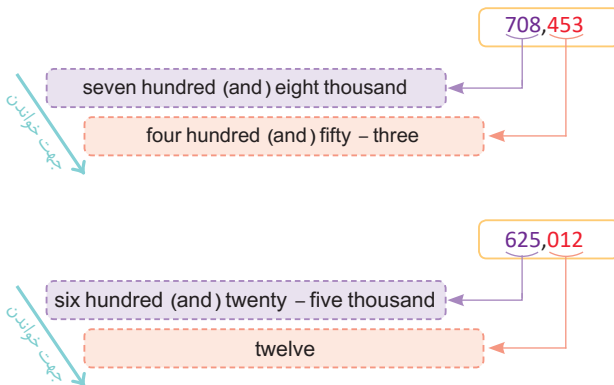
حالت چهارم: اعداد بین 100 تا 999 (اعداد سه رقمی)

رقم سمت چپ (صدگان) را هرچه بود به همراه کلمه hundred می نویسیم.
دو رقم سمت راست را از روی حالات قبلی می نویسیم.



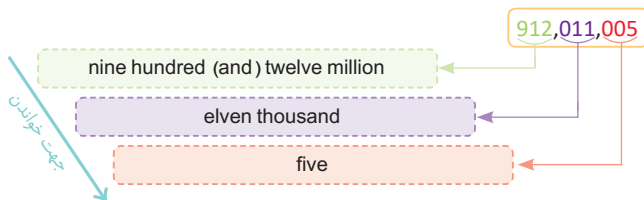
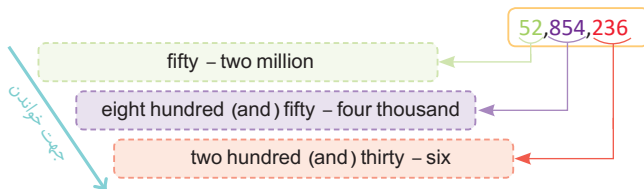
حالت پنجم: اعداد بین 1000 تا 999,999 (اعداد چهار تا شش رقمی)

رقم چهارم تا ششم (از راست به چپ می شمیریم) یک عدد یک الی سه رقمی می شود که آن را از روی حالت چهارمی سازیم و در کنار این عدد لغت thousand می نویسیم.
سه رقم سمت راست را هم از روی حالت چهارمی می نویسیم.



حالت ششم: اعداد بین 1,000,000 تا 999,999,999 (اعداد هفت تا نه رقمی)

رقم هفت تا نه (از راست به چپ می‌شمریم) یک عدد یک الی سه رقمی می‌شود که آن را از روی حالت چهار می‌سازیم و در کنار این عدد لغت million می‌نویسیم.
شش رقم سمت راست را هم از روی حالت پنج می‌نویسیم.



حالت هفتم: اعداد بین 1,000,000,000 تا 999,999,999,999 (اعداد ده تا دوازده رقمی)

رقم ده تا دوازده (از راست به چپ می‌شمریم) یک عدد یک الی سه رقمی می‌شود که آن را از روی حالت چهار می‌سازیم و در کنار این عدد لغت billion می‌نویسیم.
نه رقم سمت راست را هم از روی حالت شش می‌نویسیم.

